



گزارش تحلیلی «شرق» از عملکرد جریان ناکام انتخابات برای دامن‌زدن به مطالبات عمومی

سراب مطالبات غیر واقعی

فاضل میبیدی در گفت‌وگو با «شرق»: دولت و اصلاح‌طلبان همه مسائل را به مردم بگویند

طیبه مشایخی

رئیس‌جمهور به تنهایی نیست، از ابتدا به ضرورت جلب موافقت نهادهای دخیل دیگر و اینکه آنها هم حق مصلحت‌سنجی دارند، اشاره کنید. نامزدهای محترم باید توجه داشته باشند و به مردم توجه بدهند که طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی هر کار می‌کنند، در اجرای قوانین است. الان قانون برنامه ششم توسعه به وسیله مجلس نهایی و ابلاغ شده است؛ یعنی برای ۵ سال تکلیف خیلی از کارها تعیین شده است. هر وعده‌ای که داده می‌شود تنها ذیل قانون برنامه قابل اجراست؛ مگر آنکه دولت در وعده‌اش تقدیم اصلاحیه به مجلس و انقیاد به تصمیم مجلس را تصریح کند». نماینده ادوار مجلس که خود دو دوره به وسیله مجلس بوده، هشدار صریح هم می‌دهد: «هر حرکتی و هر وعده‌ای که انتظارات مردم را بالا ببرد و شکاف بین انتظارات و امکانات را افزون سازد، تهدیدی برای امنیت ملی است و هرکدام‌تان که پیروز شوید، بلای جان خودتان خواهد شد که هزینه آن را مردم خوب و شریف ایران باید بدهند». علی لاریجانی هم در آن روزها تأکید کرد دامن‌زدن به مطالبات، راه‌حل مشکلات کشور نیست؛ بلکه بهبود وضعیت مدیریت است و تصمیم‌گیری در زمینه بارانه با مجلس است. در آن مقطع گروهی از اقتصاددانان هم تأکید کردند اگر نامزدی به واقع به نیت اصلاح سریع اقتصاد و بهبود معیشت مردم به صحنه بیاید، باید به پشتوانه یک تیم حرفه‌ای، از راه‌حل‌های خود برای رفع مسائل سخن بگوید. به‌عنوان مثال پر واضح

است که بحران بی‌کاری، با طرح‌های نخنما و از پیش شکست‌خورده‌ای مثل پرداخت وام یا تخفیف حق بیمه به کارفرمایان حل نخواهد شد. حل بحران بی‌کاری نیازمند اتخاذ یک رویکرد توسعه اشتغال‌زا، انتخاب و حمایت از صنایعی برگزیده و تجهیز و عملکرد دولت بازدهم استفاده کردند. این عده

حتی بعد از آرای ۲۴میلیونی مردم و تأیید برنامه‌ها و شعارهای روحانی، مباحثی مطرح می‌کنند با این مدعا

که دولت بازدهم نتوانسته به وعده‌های خود عمل کند و در دولت دوازدهم نیز کاری از پیشش نخواهد برد.

درحالی‌که مردم با آگاهی شرایط کشور را رصد می‌کنند و به خوبی از پشت پرده مخالفت با آقای روحانی و طرح چنین ادعاهایی آگاهی دارند و شیوه رای‌دادن

آنان در انتخابات هم نشان از گسترش آگاهی و تعقل دارد. مردم می‌دانند ظرفیت‌های ایران روشن است و مطالبات تحقق‌ناپذیر تنها می‌تواند به یاس و دلسردی

منجر شود. این در حالی است که مخالفان روحانی و اصلاح‌طلبان در چهار سال گذشته به دو نکته مهم آگاهی داشتند؛ نخست اینکه با توجه به خرابی‌های

باقی‌مانده از دولت موردعلاقه خود یعنی دولت

فاضل میبیدی: دولت و اصلاح‌طلبان همه مسائل را به مردم بگویند

اقتصاد اولویت کشور است دولت باید با آگاهی کامل تیم اقتصادی کارا و کارآمد انتخاب کند تا بتواند به آنچه به مردم وعده داده است عمل کند. هر چند من معتقدم رئیس‌جمهور در روند تبلیغات وعده غیرعملی به مردم نداده است. در این میان عده‌ای تلاش دارند با ناتوان جلوه‌دادن دولت نشان دهند که هیچ‌کدام از وعده‌های داده شده روحانی به مردم عملی نیست. وظیفه دولت در برابر این جبهه تشکیل تیم رسانه‌ای قوی است تا مردم را از حدود اختیارات دولت آگاه کنند و بدانند که دست دولت در همه امور باز نیست و تحقق همه مطالبات نیازمند همگونی و هماهنگی تمام نهادهای مردم به کار گرفته می‌شد و گاه ذهن آنها را مخدوش می‌کرد. اردوگاه رقیب در این دوره به منظور تخریب روحانی و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته مباحثی

با عنوان می‌کرد که واقعیت نداشت. طبیعتاً مردم در برابر وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود انتظار تحقق دارند، اما ایجاد این انتظار باید متناسب با اختیارات و شرایط کشور باشد. افراد نباید شعاری بدهند که در آینده نتوانند آن را اجرایی کنند و این اجرایی‌نشدن باعث دلسردی مردم شود.

روحانی شعارهایی مطرح کردند که به هیچ وجه قابلیت اجرایی‌شدن نداشت و فقط برای جلب آرای مردم به کار گرفته می‌شد و گاه ذهن آنها را مخدوش می‌کرد. اردوگاه رقیب در این دوره به منظور تخریب روحانی و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته مباحثی

با عنوان می‌کرد که واقعیت نداشت. طبیعتاً مردم در برابر وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود انتظار تحقق دارند، اما ایجاد این انتظار باید متناسب با اختیارات و شرایط کشور باشد. افراد نباید شعاری بدهند که در آینده نتوانند آن را اجرایی کنند و این اجرایی‌نشدن باعث دلسردی مردم شود.

روحانی و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته مباحثی با عنوان می‌کرد که واقعیت نداشت. طبیعتاً مردم در برابر وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود انتظار تحقق دارند، اما ایجاد این انتظار باید متناسب با اختیارات و شرایط کشور باشد. افراد نباید شعاری بدهند که در آینده نتوانند آن را اجرایی کنند و این اجرایی‌نشدن باعث دلسردی مردم شود.

روحانی و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته مباحثی با عنوان می‌کرد که واقعیت نداشت. طبیعتاً مردم در برابر وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود انتظار تحقق دارند، اما ایجاد این انتظار باید متناسب با اختیارات و شرایط کشور باشد. افراد نباید شعاری بدهند که در آینده نتوانند آن را اجرایی کنند و این اجرایی‌نشدن باعث دلسردی مردم شود.

روحانی و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته مباحثی با عنوان می‌کرد که واقعیت نداشت. طبیعتاً مردم در برابر وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود انتظار تحقق دارند، اما ایجاد این انتظار باید متناسب با اختیارات و شرایط کشور باشد. افراد نباید شعاری بدهند که در آینده نتوانند آن را اجرایی کنند و این اجرایی‌نشدن باعث دلسردی مردم شود.

سیاست

انتخابات ۹۶ و سیاست‌گذاری عقلایی

مجد سلیمی بروجنی

بالاخره پس از چندین هفته رقابت سنگین بین کاندیدها، حسن روحانی برنده کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری شد. به جرئت می‌توان گفت که تا اواخر فروردین ۹۶ نیز کمتر کسی می‌توانست تا این حد هیجان و تلاش مردم و هواداران کاندیدها در میدان رقابت را پیش‌بینی کند. شروع این هیجانات و شور تبلیغاتی از اولین جلسه مناظرات کاندیدها اتفاق افتاد و تا پایان ساعت رأی‌گیری و پس از آن در مرحله شمارش آرا نیز ادامه داشت. در این دوره از انتخابات شاهد بودیم که برخی کاندیدها برای جلب توجه مردم به سمت خودشان، در کمپین‌های تبلیغاتی‌شان و همچنین در مناظره‌ها به شدت می‌کوشیدند که خودشان را متفاوت‌تر از سایر کاندیدها نشان دهند؛ اما تجربه گذشته نشان داده که همین افراد بعد از اینکه انتخاب شدند و با واقعیت اداره‌کردن مجموعه‌ای تحت عنوان دولت برخورد کردند، مجبور خواهند شد که پایشان را در زمین واقعیات بگذارند و هرکدام که وارد این مرحله شدند، می‌فهمند که بودجه کشور محدود است، مالیات‌گرفتن کار بسیار دشواری است، تنظیم روابط خارجی کاری سنگین است، اداره‌کردن وزارتخانه و نهادهای دولتی تجربه و تخصص می‌خواهد و برخی وعده‌ها که داده‌اند، اصلاً قابلیت عملیاتی‌شدن ندارند. یکی از وعده‌هایی که برخی کاندیدها در رقابت‌های انتخاباتی بسیار روی آن مانور دادند، موضوع یارانه‌های نقدی و چندبرابرشدن آن بود. البته این وعده‌ها با انتقادهای بسیاری روبه‌رو شد؛ انتقادهایی که بیش از همه، جنبه سیاسی یافت و بر محور اقتصادی‌اش غلبه داشت و دراین‌میان بسیاری انتقاد یا حمایت از این وعده‌ها را همراه با سوگیری‌های سیاسی می‌خوانند. علی لاریجانی، به عنوان رئیس مجلس به این نوع وعده نامزدها، واکنش انتقادی نشان داد. اولین انتقاد را از دو جنبه مطرح کرد؛ دروجه حقوقی یا تأکید بر اینکه افزایش میزان فعلی یارانه‌ها در حیطه اختیارات دولت نیست و در اختیار مجلس قرار دارد، مخالفت پارلمان با شعارهای انتخاباتی- یارانه‌های نقدی را تأکید کرد. لاریجانی در جنبه اقتصادی نیز شعارها را درباره افزایش یارانه‌ها را به صلاح حکومت ندانست و افزایش یارانه‌ها را نیازمند تأمین منابع خواند، افزایش چندبرابری یارانه‌های نقدی بدون مشخص‌کردن محل تأمین مالی، گمانه‌زنی‌ها درباره پول‌پاشی در اقتصاد کشور با روش‌های نامتعارف را بیشتر کرده بود. برای اینکه مقیاس برنامه‌های یارانه‌های نقدی را بهتر متوجه شویم، خوب است بدانیم که ما در آن‌ها دوجندان شد. احمدی‌نژاد پس از روی کارآمدن هم در سفرهای استانی با تصویب مصوباتی که پشتوانه مالی و اجرایی آنها پیش‌بینی نشده بود، بر حجم این وعده‌ها افزود.

مصوباتی که پس از مدتی گلابه نمایندگان حوزه‌های مختلف از عملی‌نشدن آنها را به همراه داشت. یکی از وعده‌های مهمی که احمدی‌نژاد در این چندساله بسیار روی آن تأکید داشته، وعده ریشه‌کن‌کردن بی‌کاری و ایجاد سالانه ۲٫۵ میلیون شغل است. ریشه‌کن‌شدن بی‌کاری تا پایان دولت دهم، یکی از حرف‌هایی است که اجرایی‌شدن آن با توجه به میزان اشتغال‌زایی صورت‌گرفته در آن سال، مدت، با اما و اگرهای بسیار همراه است. یکی دیگر از این وعده‌های عملی‌نشده رئیس‌جمهور واگذاری هزار متر باغ‌ویسلا به هر خانوار ایرانی بود. احمدی‌نژاد در ۱۸ تیرماه ۱۳۹۰ اعلام کرد به هر خانوار ایرانی یک قطعه زمین هزارمتری به‌صورت رایگان تعلق می‌گیرد

تا خودخواه‌ها در آن باغ میوه و بناهای مسکونی برای خودشان احداث کنند. وی گفته بود: ان‌شاءالله این طرح تا پایان سال آماده و در ۱۰ تا ۱۵ منطقه به‌طور آزمایشی اجرا می‌شود. اما از زمان اعلام این طرح تاکنون دیگر سخنی از اجرای آن به میان نیامده است. وعده‌هایی که مردم خیلی زود فهمیدند امکان تحقق آنها وجود ندارد.

احمدی‌نژاد، تحقق وعده‌های انتخاباتی آقای روحانی نیازمند زمانی طولانی است و دوم اینکه آقای روحانی در تحقق مطالبات خود اختیارات کامل ندارد و باید با چانه‌زنی با دیگر نهادهای این اقدامات را انجام دهد. دولت روحانی تا قبل از اجرایی‌شدن برجام زیر ضربات تحریم‌های قرار داشت و اصولگرایان مرتب عنوان می‌کردند که دولت هیچ‌گونه دستاوردی نداشته است اما بعدها که نتایج برجام تا حدود زیادی مشخص شد، اصولگرایان در مقابل موفقیت‌های وی سکوت کردند؛ هرچند گاه و بیگاه نقدهایی غیرکارشناسانه درباره برجام مطرح می‌کنند. این روزها مخالفان دولت تلاش دارند که القا کنند دولت به اهداف خود دست پیدا نکرده است. زمانی که مشارکت سیاسی و حضور اجتماعی مردم گسترده و پرشور و چشمگیر است، روند تحقق مطالبات مردم از یک رشد و پیشرفت درخورملاحظه برخوردار می‌شود. مردم با انتخاب روحانی فرصتی دوباره به وی دادند تا در جهت تحقق مطالبات به‌حق آنها تلاش کند و البته که موظف است با شناسایی وعده‌های قابل تحقق در جهت تأمین آنها قدم بردارد. اما اگر سیاست‌بازی و سیاست‌کاری علیه دولت تداوم یابد، دولت نمی‌تواند پاسخ‌گوی مطالبات مردم باشد و نتیجه آن، یاس مردم از هرگونه اصلاح و توسعه در کشور است. در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم نیز محمود احمدی‌نژاد موضوعاتی را مطرح کرد که با توجه به ظرفیت جامعه، تحقق آنها امکان‌پذیر نبود و صرفاً در حد شعار تبلیغاتی و برای جلب نظر مردم مطرح شده بود، حجم بالایی از وعده‌هایی که احمدی‌نژاد در هشت سال ریاست‌جمهوری خود داده بود، به ده‌ها دولت نیاز داشت. وی در سال ۸۲ با وعده‌هایی بر سر کار آمد که حتی با جنس وعده‌های سایر سیاسیون هنگام تبلیغات انتخاباتی هم متفاوت بود. به علت ضعف‌های ساختاری سیستم اقتصادی کشور و رویکرد شعاری وی به مسائل، از همان ابتدا مشخص بود اینها به ضرر خود وی تمام خواهد شد. در همان زمان برخی اصولگرایان می‌ناروه به این ضعف‌ها اشاره داشتند و خواهان اقداماتی ساختاری برای حرکت دولت بر بستری اجرایی برای ازبین‌بردن آنها بودند نه وعده‌هایی که تنها در کوتاه‌مدت کاربرد دارد و در درازمدت تنها سبب بالاتررفتن سطح توقعات و مطالبات می‌شود. به این مهم توجهی نشد و اکنون نتهاتن از حجم این وعده‌ها کاسته نشد بلکه با پافشاری احمدی‌نژاد به تعداد آنها افزوده و بزرگی آنها دوجندان شد. احمدی‌نژاد پس از روی کارآمدن هم در سفرهای استانی با تصویب مصوباتی که پشتوانه مالی و اجرایی آنها پیش‌بینی نشده بود، بر حجم این وعده‌ها افزود.

مصوباتی که پس از مدتی گلابه نمایندگان حوزه‌های مختلف از عملی‌نشدن آنها را به همراه داشت. یکی از وعده‌های مهمی که احمدی‌نژاد در این چندساله بسیار روی آن تأکید داشته، وعده ریشه‌کن‌کردن بی‌کاری و ایجاد سالانه ۲٫۵ میلیون شغل است. ریشه‌کن‌شدن بی‌کاری تا پایان دولت دهم، یکی از حرف‌هایی است که اجرایی‌شدن آن با توجه به میزان اشتغال‌زایی صورت‌گرفته در آن سال، مدت، با اما و اگرهای بسیار همراه است. یکی دیگر از این وعده‌های عملی‌نشده رئیس‌جمهور واگذاری هزار متر باغ‌ویسلا به هر خانوار ایرانی بود. احمدی‌نژاد در ۱۸ تیرماه ۱۳۹۰ اعلام کرد به هر خانوار ایرانی یک قطعه زمین هزارمتری به‌صورت رایگان تعلق می‌گیرد

تا خودخواه‌ها در آن باغ میوه و بناهای مسکونی برای خودشان احداث کنند. وی گفته بود: ان‌شاءالله این طرح تا پایان سال آماده و در ۱۰ تا ۱۵ منطقه به‌طور آزمایشی اجرا می‌شود. اما از زمان اعلام این طرح تاکنون دیگر سخنی از اجرای آن به میان نیامده است. وعده‌هایی که مردم خیلی زود فهمیدند امکان تحقق آنها وجود ندارد.

مسئولیت اصلاح‌طلبان در قبال اعتماد مردم

مصطفی ملکوتی پژوهشگر

کامیابی اصلاح‌طلبان در انتخابات مدیریت شهری به‌ویژه در تهران، مشهد و سایر کلان‌شهرها و مسئولیت در قبال اعتماد عمومی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جریان اصلاح‌طلبی است. اگر اصلاح‌طلبان کارآمدی خود را در مدیریت شهری اثبات کنند، جبهه اصلاحات سربلند خواهد بود و در انتخابات دوره بعد نیز مردم به آنان اقبال نشان خواهند داد، در غیر این صورت شهروندان بار دیگر از اصلاح‌طلبان مایوس خواهند شد، اما آیا اصلاح‌طلبان کارآمد هستند؟

خوشبختانه تجربه ارزشمند دولت اصلاحات حکایت از کارآمدی آنان در مقایسه با اصولگرایانی دارد که در دوره‌های بعدی، مسئولیت نهادهای مختلف را در اختیار داشتند، ولی در شورای شهر چطور؟ در شورای شهر اول، اصلاح‌طلبان در شورای شهر تهران کارنامه درخشانی نداشتند، اینک این نگرانی وجود دارد که در این دوره چه خواهند کرد؟ و اگر در مدیریت شهری موفق نباشند چه اشخاص و احزابی باید در برابر اعتماد مردم پاسخ‌گو باشند؟

انتخابات دوقطبی ۹۶ روح تازه‌ای در کالبد جنبش اصلاح‌طلبی ایران دمید، یک‌بار دیگر در مقابله تمام‌قد اصولگرایی و اصلاح‌طلبی، این اصلاح‌طلبان بودند که پیروزمندانه به مسئولیت بازگشتند، وقتی در شهرهای مهم و استراتژیک تهران و مشهد همه کرسی‌های نمایندگی پارلمان شهری به اصلاح‌طلبان رسید، انتظارات شهروندان از منتخبان خود به اوج خود رسید و از سوی رقبای هم‌زمان روند تخریب برگزیدگان مردم نیز آغاز شد، حاشیه‌سازی‌ها و تردی‌افکنی پیاپی از راه می‌رسد و پاپانی برای آن متصور نیست.

در چنین هنگامه‌ای که مسئولیت نمایندگی جبهه اصلاحات بر دوش منتخبان شورای شهر سنگینی می‌کند، گستره طیف اصلاح‌طلبان؛ چه آنان که در شورای‌عالی اصلاح‌طلبان گردهم آمدند و چه خیل عظیم اصلاح‌طلبان فرهیخته کشور همه در برابر حفاظت از این سرمایه اجتماعی مسئولیت دارند، و برای توفیق منتخبان در مدیریت شهری نباید از هیچ کوششی فروگذار کرد. از سوی دیگر شورای شهر برگزیده باید سازوکاری تدارک‌بینند تا در عمل، امکان پشتیبانی و مشارکت گسترده شهروندان در مناطق و نواحی شهری به وجود بیاید. مدیریت شهر تهران در برابر مانع‌تراشی‌های فراینده و فرساینده نهادهای وابسته به جوانب رقیب، با اتکا به آگاهی شهروندان می‌تواند با آن مقابله کند. شورای شهر و مدیران شهری از رهگذار اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع باید با شایعه‌سازی مبارزه کنند و شهروندان را بی‌آنکه بخواهند قرائنکی کنند در جریان امور قرار دهند تا همچنان از اعتماد و حمایت مردم برخوردار بمانند و فضای اجتماعی‌ای که در این دوره انتخابات به وجود آمد را برای تضمین موفقیت خود، حفظ کنند.

ازاین‌رو توسعه مدیریت ارتباط با شهروندان و تعامل پویا با آنان در کامیابی شورای شهر نقش‌آفرین خواهد بود. عامل مهم دیگر کامیابی تکیه بر «شایسته‌سالاری» در عمل است. برای انتخاب شهردار و مدیران شهری فقط باید از افراد لایق، صالح، توانمند، مجرب و متخصص متناسب با نوع کار استفاده شود.

شورای شهر باید به‌دور از غوغاسالاری بر شایسته‌سالاری پافشاری کند؛ همان شایسته‌سالاری‌ای که از عوام‌گرایی فاصله می‌گیرد، شاخص شایستگی، جنسیت، سن، آفازادگی، تعلق حزبی و… نیست؛ یعنی «زن‌بودن» و «جوان‌بودن» به‌تنهایی مزیت به‌شمار نمی‌رود یا برعکس «آقازاده‌بودن» و «حزبی‌بودن» عیب محسوب نمی‌شود، بلکه فارغ از این‌گونه اوصاف به شخصیت فرد، توانمندی‌ها، مهارت‌ها و تجربه‌های مفید و مؤثر او تکیه می‌شود. به‌کارگیری نخبگان و شایستگان در مدیریت شهری به تقویت سرمایه اجتماعی نیز کمک و حمایت شهروندان را جلب می‌کند. باید گفت شایسته‌سالاری کلید موفقیت اصلاح‌طلبان در شورای شهر و شهرداری‌ها خواهد بود.

باید‌جان شورای شهر باید پیوسته بر عملکرد شایستگان نظارت کند تا دوام ملاک‌های شایستگی آنان محرز شود، زیرا قدرت در هر سطحی آفاتی دارد که هیچ‌کس از ابتلا به آن مصون نیست، همه ما هرچند پیوسته روزها را روزه بگیریم و شب‌ها به ذکر و نیایش بپردازیم اغلب ممکن است در دامگه جاه‌طلبی گرفتار شویم. هیچ‌یک از ما نمی‌تواند نفس خود را از ابتلا به این آفات بری کند و به قول سعدی «اعتماد را نشاید سپاس گفت، بپایان این اعتماد بر شایستگی نیز ریسک دارد، ازاین‌رو نظارت پویا و شفاف‌سازی اطلاعات عملکرد شهرداری‌ها برای مبارزه با فساد اجتناب‌ناپذیر است.

ترویج گفت‌وگوی انتقادی یکی از شاخصه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی است، نقادی مشفقانه وظیفه هر اصلاح‌طلب فرهیخته‌ای است و نقدپذیری در عمل نیز وظیفه اصلاح‌طلبانی است که سهمی از قدرت دارند. نقد قدرت و از جمله در قلمرو حکمرانی شهری به جلوگیری از خطاهای فاحش کمک می‌کند، انتظار جدی شهروندان از شوراهای شهر به‌ویژه در تهران و مشهد «پاسخ‌گوییون» و «نقدپذیری‌بودن» است. این رویکرد اصلاح‌طلبانه‌ای است که به بهبود مدیریت شهری و افزایش اعتماد شهروندان منتهی می‌شود.

دولت روحانی، برای شوراهای شهر، خاصه شورای شهر تهران فرصت بزرگی است. شهرداری تهران می‌تواند با اغتنام فرصت در جهت تعامل سازنده با دولت حرکت کند و با جلب حمایت دولت، گام‌های بلندی در راستای اجرای برنامه جامع شهری بردارد. اگر شورای شهر، فردی را به‌عنوان شهردار برگزیند که سودای ریاست‌جمهوری در سر نداشته باشد، او به‌جای فعالیت‌های تبلیغاتی و پرداختن به پروژه‌های کوتاه‌مدت نماینی می‌تواند به توسعه پایدار و همه‌جانبه شهری بپردازد، در این صورت او می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دولت و شهرداری و جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به پروژه‌های بزرگی دست بزند که تهران را به استانداردهای یک شهر بین‌المللی نزدیک کند؛ آری با این شرایط به کامیابی شورای شهر امیدوار خواهیم بود.